



اخلاص در تلاوت

ابوالفضل علیدوست ابرقویی

نقطه‌ی مقابل، زمانی است که انگیزه و نیت فرد برای دست زدن به اعمال عبادی و یا ترک یک کار، کسب شهرت، وجهه نزد این و آن باشد. چنین عملی آلوده به ریاست و هرگاه قصد عامل آن باشد که به این طریق ویژگی‌های خود را به گوش مردم برساند تا در قلب آن‌ها شهرتی دست و پا کند، به «شمعه» مبتلا شده است که از شاخ و برگ درخت ریاست.

از مجموع روایات و توصیه‌هایی که علمای اخلاق در کتاب‌های مربوطه آورده‌اند، این نکته به دست می‌آید که اعمال خالصانه که در آن‌ها انگیزه‌های جز کسب رضای الهی و دست‌یابی به پادشاهی الهی نباشد، نه تنها مورد قبول واقع می‌شود، بلکه رضای خداوند و محبت پروردگار را به دنبال دارند و برعکس، اعمال آلوده به ریا، نه تنها پذیرفته نمی‌شود، بلکه غضب و خشم پروردگار را در کارنامه‌ی شخصی رقم می‌زنند. در روایتی از امام علی (علیه السلام) به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمده است: «کسی که چیزی را که خداوند دوست دارد، برای مردم ظاهر کند (اعمال خوب را برای تظاهر انجام بدهد) و در باطن آنچه را که خداوند مکره دارد، به ظهور برساند، خداوند را ملاقات می‌کند، در حالی که پروردگار از او خشمگین است» (۱). اعمال ریایی تا جایی خطرناک است که فرد را به وادی شرک می‌کشاند؛ زیرا براساس روایتی از امام صادق (علیه السلام): «هر ریایی شرک است...» (۲).

بنابراین، برای دست‌یابی به بهره‌های اعمال عبادی، چاره‌ای نیست جز این که شخص تلاش کند خود را تا جایی که امکان دارد از ترکش‌های ریا مصونیت بخشد و این حاصل نمی‌شود، جز آن‌که عامل، رنگ و لعاب اخلاص را - که اولین مرحله‌ی آن در نیت و انگیزه‌ی خدایی عمل متجلی می‌گردد - با عمل همراه سازد. توصیه و دستور خداوند متعال به رسول گرامی اسلام مبنی بر این که «بگو به درستی که نماز و عبادت و زندگی و مرگ من از آن پروردگار جهانیان است، شریکی ندارد و من به این کار مأمورم...» (۳)؛ در حقیقت رهنمودی است به همه‌ی کسانی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را به عنوان بهترین اسوه پذیرفته‌اند و بدون تردید، عالی‌ترین مظهر اخلاص در این آیه به طور فشرده آمده است.

در آیات فراوانی از قرآن مجید و روایات ائمه (علیهم السلام) - به ضرورت اخلاص در عمل اشاره شده است، چه به طور مستقیم و غیر مستقیم؛ مانند آیه‌ی بیست و سه از سوره‌ی بنی اسرائیل، آیه‌ی دوازدهم از سوره‌ی زمر، آیه‌ی پنجم از سوره‌ی بینه و آیاتی دیگر.

نکته‌ی مهمی که بایستی به آن توجه کرد، این است که علمای اخلاق بسیاری از مبانی معارف عرفانی و اخلاقی را دارای مراتب و درجاتی می‌دانند، مثلاً توبه را به توبه‌ی عوام و توبه‌ی

تضرع مرد با سوز بیش‌تری همراه گردید، سوز و گدازی که حرارت آن از هیزم ریا و شرک تهیه شده بود.

صبح شد و آماده‌ی رفتن از مسجد، مرد سر و گوشی آب داد، تا ببیند چه کسی قرار است او را نزد اهل محل معرفی کند؛ چشم او به چیزی نیفتاد، جز سگی که از سرما به به گوشه‌ی مسجد پناه آورده بود!

- ای وای بر من از دیشب تا صبح عبادت کردم؛ اما برای...» (۴).

«نیت» انگیزه‌ای است که فرد را به ارتکاب یا ترک عملی یا گفته‌ای وادار می‌دارد و در حقیقت قالب و شاکله‌ی اعمال است. عمل بدون نیت و انگیزه، عمل کودکی را می‌ماند که به تعبیر سعدی ناگهان بر هدف زند تیری.

بر این اساس، اعمال عبادی بدون انگیزه و نیت اگرچه از شکل و صورت عبادت برخوردار باشند، فاقد روح و کارایی هستند.

هرگاه فرد، قبل از ارتکاب یا ترک عمل قصد می‌کند برای رضای خدا حرکت کند، در این صورت عمل او رنگ و بوی اخلاص پیدا کرده و هرچه شخص بتواند از وسوسه‌های شیطان دوری کند، رنگ و بوی اخلاص در عمل او نمود بیش‌تری خواهد داشت و در پیشگاه خداوند، پاداش بیش‌تری ارزانی‌اش می‌گردد.

از مدت‌ها پیش دنبال فرصتی می‌گشت تا دور از هرگونه هیاهو ساعتی را با فراغت بال، یا خدای خود مناجات کند. آسمان چشم را به اشک توبه و ندامت بشوید و سراج‌ی دل را به آه سینه غبار روبی می‌کند.

شب فرصت خوبی است و گوشه‌ی مسجد مکانی مناسب تا در امتداد جاده‌ی شب مرکب راهوار دل را به مقصد هدایت کند که خدا نیز در همین نزدیکی‌هاست.

شبی پس از ادای فریضه‌ی مغرب و عشا فرصت را غنیمت شمرد و در مسجد ماند. همین که مسجد از مردم خالی شد، گوشه‌ای را انتخاب کرد و مشغول مناجات و دعا گردید.

ساعتی که گذشت، صدایی به گوشش رسید. با خود فکر کرد: لابد کسی است، همانند من که برای عبادت به مسجد آمده است. «اعتنایی نکرده به دعاها پیش ادامه داد.

دقایقی که گذشت، این فکر ناگهان به سراغش آمد که: «چه خوب! این مرد لابد مرا خواهد دید و فردا صبح به اهل محل اعلام می‌کند که فلانی دیشب تا صبح، در مسجد به دعا و مناجات مشغول بود، آن وقت مردم به چشمی دیگر به من نگاه می‌کنند؛ عاید شب زنده دار، مرد خدا، کبوتر مسجد و...»

زاویه‌ی انحراف از همین نقطه شروع شد و دعا و

جاهلان و مباهات به علما قرآن را یاد بگیرد، در قیامت خداوند استخوان‌هایش را متفرق کند و...هرگاه قرآن را یاد بگیرد و فروتنی نماید و بندگان خدا را قرآن یاد بدهد و از خداوند پاداش بطلبد، کسی پاداشش در بهشت از او بیش تر نیست...»^(۸)

در روایتی از امام علی (علیه السلام) آمده است که قرآن به ترتیل بخوانید و از نظر آن حضرت، ترتیل آن است که کلمات قرآن خوب ادا شود، مانند شعر و با شتاب خوانده نشود و هم چون ریگ پراکنده نگردد. هم‌چنین در روایتی از امام صادق (علیه السلام) وارد شده است که قرآن به آهنگی حزین خوانده شود و از آن بزرگوار نقل شده است که وقتی امام سجاد (علیه السلام) قرآن تلاوت می‌کرد، زیبایی تلاوتش به گونه‌ای بود که سقاها چون از کنار منزل حضرتش عبور می‌کردند جهت استماع تلاوت آن حضرت توقف می‌کردند؛ و امام باقر (علیه السلام) نیز از خوش‌آوازترین مردم در تلاوت قرآن بود.

این گونه روایات حدود و کیفیت تلاوت را روشن می‌سازد و روایات دیگر نهی کرده‌اند از این که طریقی غیر از این پیشه گردد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«قرآن را بالحن و آوازهای عرب بخوانید و از طن بدکاران و اهل گناه دوری کنید، زیرا پس از من مردمی می‌آیند که قرآن را چون خوانندگی در خنجره می‌چرخانند. این‌ها دلشان وارونه است و دل هرکس هم که از این نوع آوازها خوشش آید، وارونه است»^(۹) را پس تلاوت قرآن و اقتضای آن را دارد که تلاوت‌کننده قرآن نیت خود را دقیقاً بررسی کند که آیا هدف و نیت او از شرکت در فلان مجمع و محفل و مسابقه و تلاوت قرآن، پیشی گرفتن از دیگران و کسب وجهه نزد افراد است، یا این که هنر خود را در اختیار آیات وحی قرار داده است، تا از این طریق دل شنوندگان را برای پذیرش آیات قرآن آماده گرداند؟

این دقت و تأمل، وظیفه‌ی تلاوت‌کننده است. در صورتی که هدف اول محرک او باشد، چه بهتر که دست از تلاوت در مجامع عمومی بردارد و در خلوت قرآن بخواند، تا جایی که از آفت ریا و خودنمایی رهایی یابد؛ و اگر هدف دوم انگیزه‌ی وی باشد، بسی سعادت! و البته بایستی در این محاسبه و ارزیابی مواظب توجهات شیطان باشد؛ که به تعبیر امام صادق (علیه السلام) «شرک (یعنی ریا) از حرکت کردن و راه رفتن مورچه پنهان‌تر است»^(۱۰)

ختم قرآن در غیر این ماه عنوان نمود. از این جهت تلاوت قرآن عبادتی است، مانند سایر عبادات که چشم طمع شیطان به آن معطوف می‌گردد، تا بتواند روزنه‌ای در نیت و انگیزه‌ی تلاوت‌کننده، بگشاید و قصد و انگیزه‌ی او را تیره و تار کند. بر همین مناسبت است که تلاوت‌کننده بایستی مواظب دام و دانه‌ی شیطان باشد و در پیرنگ کردن اخلاص خود در تلاوت قرآن بکوشد. این ضرورت از آن جا دوچندان می‌گردد که شیطان در تلاوت قرآن راحت‌تر از دیگر عبادات می‌تواند رخنه کند، زیرا تلاوت قرآن با ارائه‌ی هنر تلاوت و صوت و تجوید همراه است. همین نکته می‌تواند مرکب شیطان در به انحراف کشاندن انگیزه‌ی تلاوت‌کننده باشد.

به عبارت دیگر کسانی که به قصد ارائه‌ی صوت و هنر تجوید خود و در نتیجه کسب وجهه در نزد این و آن قرآن را تلاوت می‌کنند، مرتکب عبادت ریایی شده و نه تنها این تلاوت ارزش و پاداش الهی برای آن‌ها ندارد، بلکه براساس روایتی که بیان شده، خشم پروردگار را به دنبال دارد. چنین افرادی در حقیقت قرآن را نمودباله برای ارتقای وجهه‌ی خود نزد مردم در حد یک ابزار پایین آورده‌اند! طبعاً هرگاه ارائه‌ی صوت و هنر آواز خود را بتوانند، با خواند اشعاری عاشقانه و متناسب با مجالس غیر اخلاقی بهتر و پیش‌تر به رخ دیگران بکشند و به هدف خود که همان کسب وجهه نزد عوام است برسند، بارخود را از پای سفره‌ی قرآن جمع و بر بساط دیوان این و آن پهن می‌کنند. برعکس این‌ها تلاوت‌کنندگانی هستند که هر آواز و صوت خود را در خدمت قرآن قرار داده و صدای خود را با آیات الهی متبرک می‌کنند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «...ای عالم به قرآن! به وسیله‌ی آن فروتنی پیشه کن تا خداوند تو را بالا ببرد و آن را وسیله‌ی عزت‌طلبی و تکبر قرار مده تا خوارت نگرداند. ای دانای قرآن! خود را برای خدا بیارای، تا خدا تو را بیاراید و خود را به آن (قرآن) به خاطر مردم میارای، تا خداوند تو را به آن زشت نماید...»^(۷)

هم‌چنین در کتاب ارزشمند وسائل الشیعه طی روایتی طولانی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) انگیزه‌های مختلف قرائت قرآن و پیامدهای آن بیان شده است. بخش‌هایی از این حدیث چنین است:

«کسی که قرآن را یاد بگیرد و به آن عمل نکند... مستوجب عذاب الهی می‌گردد...»

و کسی که از روی قصد ریا و سمعه قرآن را قرائت کند، در روز قیامت خداوند را ملاقت می‌کند، در حالی که چهره‌ی او استخوانی بدون گوشت باشد و قرآن به پشت کردن او بزند تا او را داخل آتش کند... و کسی که قرآن را بخواند، اما به آن عمل نکند، خداوند (در قیامت) او را کور محسور کند... و کسی که قرآن را خالصانه قرائت کند و نیز برای یادگیری عارف دینی... ثوابی مانند جمیع ملائک و انبیاء به او بدهند.

و کسی که از روی ریا و سمعه و برای جدال و با

خواص و توبه‌ی خاص الخواص تقسیم می‌کنند و طبعاً آنچه از خواص از آن توبه می‌کنند، چه بسا برای عوام، امری مباح به حساب آید. اخلاص، از جمله مواردی است که مراتبی دارد. اخلاص عوام آن است که اعمال عبادی خود را دور از تار و پود ریا انجام دهند. هرچند قصد آن‌ها رسیدن به پاداش‌های الهی و رهایی از عذاب‌های جهنم باشد، در حالی که شوق بهشت و رهایی از دوزخ در مراتب عالی اخلاص جایی ندارد، بلکه عابد به دلیل شایستگی پروردگار، آن ذات لایزال را عبادت می‌کند. این روایت از امیرمؤمنان که در فرمود: «خدا یا! من تو را از ترس عذاب جهنم و طمع به بهشت پرستش نکردم، بلکه تو را شایسته‌ی بندگی یافتم، پس تو را بندگی نمودم»، گویای نکته‌ای است که به آن اشاره شد.

تلاوت قرآن موضوع روایاتی متعدد از معصومین (علیهم السلام) است. این نکته نه تنها در روایات که در آیات قرآن نیز مورد تأکید قرار گرفته و برای آن پاداش‌هایی در نظر گرفته شده است. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «قرآن خوانان عارفان اهل بهشت هستند»

هم‌چنین امام صادق (علیه السلام) فرمود: «قرآن عهد و پیمان خدا با خلقت می‌باشد. پس شایسته است برای مسلمان که در فرمان آن نگاه کند و هرروز پنجاه آیه‌ی آن را بخواند.»

هم‌چنین آن بزرگوار فرمود: «چون در خانه‌ی مرد مسلمانی قرآن خوانده شود، اهل آسمان آن را به یکدیگر نشان دهند، چنان که اهل زمین اختران درخشان را به یکدیگر نشان می‌دهند»^(۵)

مجموعه‌ی روایاتی که در خصوص تلاوت قرآن وارد شده است، در چند محور قابل بررسی است: - روایاتی که در خصوص شأن و منزلت قرآن به عنوان ثقل اکبر در متون روایی وجود دارد.

- روایاتی که در زمینه‌ی پاداش تلاوت‌کنندگان و عاملین به قرآن صادر گردیده است.

- روایاتی که آداب و احکام تلاوت قرآن را مورد اشاره قرار داده‌اند.

- روایاتی که در مذمت تلاوت‌کنندگان غیر مخلص و ریاکار وارد شده است.

هر کدام از این محورها موضع چندین روایت می‌باشد که تفصیل آن‌ها در این مختصر نمی‌گنجد.

پس از این مقدمه به یک نکته‌ی اساسی بایستی اشاره کرد و آن اخلاص در تلاوت قرآن می‌باشد. ماه مبارک رمضان، ماه نزول قرآن است. تأمل در آیه‌ی شریفه‌ی «شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن» گویای آن است که خداوند متعال معرفی و بلکه فضیلت و شرافت این ماه را به نزول قرآن دانسته، نه به روزه گرفتن^(۶) که این مورد اخیر فرع قضیه است.

در خطبه‌ی معروف به خطبه‌ی شعبانیه از جمله سفارش‌های رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تلاوت قرآن است، به طوری که آن حضرت پاداش تلاوت یک آیه از قرآن را در ماه مبارک رمضان معادل پاداش یک

پی نوشت‌ها:

۱. برگرفته از «قلب سلیم» شهید دستیه، ص ۳۸۴
۲. چهل حدیث، امام خمینی (رحمه الله)، ص ۴۶
۳. قلب سلیم، شهید دستیه، ص ۳۷۳
۴. انعام، ص ۱۶۳
۵. اصول کافی، باب مربوط به قرآن
۶. اسرار عبادت آیت الله العظمی، ص ۱۷
۷. اصول کافی، باب مربوط به قرآن
۸. چهل حدیث حضرت امام خمینی (رحمه الله)، ص ۴۲۷
۹. همان
۱۰. قلب سلیم، ص ۳۶۵